

Introduction to the Reading for 13

November 2022: 2 Samuel

6:12de.13a.14-15.16+20-23

The Ark of God - the chest containing the 10 Commandments that Moses received from God - arrives in Jerusalem. King David dances beside himself with joy at it, without thinking of his role as king. David is an example of a person who steps out of himself in connection to God.

خواندن مقدمه ۱۳/۱۱/۲۲

سموئیل ۲ de.13a.14-6:12

15.16+20-23

لوح خدا - صندوقچه حاوی 10 فرماتی که موسی از خدا دریافت کرد - به اورشلیم می آید. پادشاه داوود بدون اینکه به نقش خود به عنوان پادشاه فکر کند، روی آن به وجد می رقصد. داوود نمونه ای از انسان است که از خود بیرون می آید و به صورت خود فراموشانه به خدامتصل می شود.

12.de.Da ging David los und holte die Lade Gottes aus dem Haus Obed-Edoms. Voller Freude bracht er sie in die Stadt Davids.

13. Die Träger führten die Lade des Herrn mit sich. ...

12. داوود پادشاه را خبر آورده، گفتند: «خداوند اهل خانه عوبیدآدوم و همه اموالش را به سبب صندوق خدا برکت داده است.» پس داوود رفت و با شادمانی صندوق خدا را از خانه عوبیدآدوم به شهر داوود آورد.

13. چون حاملان صندوق خداوند شش قدم پیش رفته بودند، داوود گاوای نر و گوساله‌ای پرواری قربانی کرد.

14. David tanzte voll Hingabe vor dem Herrn. Dabei hatte David nur einen leinernen Priesterschurz an.

15. So brachten David und alle Israeliten die Lade des Herrn in die Hauptstadt. Dabei jubelten sie und die Widderhörner erschallten.

14. و داوود ایفودِ کتان بر تن، به تمامی قوت خود در حضور خداوند می رقصید.

15. بدین گونه داوود و همه خاندان اسرائیل صندوق خداوند را با فریادها و نوای گرنای آوردند.

16. Die Lade des Herrn kam in die Stadt Davids. Michal aber, Sauls Tochter, schaute durchs Fenster. Und sie sah König David, wie er vor dem Herrn hüpfte und tanzte. Da verachtete sie ihn in ihrem Herzen.

16. چون صندوق خداوند به شهر داوود داخل می‌شد، می‌کال دختر شاول از پنجره نگریسته، داوود پادشاه را دید که در حضور خداوند جست و خیزکنان می‌رقصد، و در دل خود او را خوار شمرد.

20. Als David heimkehrte und seine Familie begrüßte, trat ihm Michal, die Tochter Sauls, entgegen und sagte: „Ach, wie würdevoll hat er sich heute aufgeführt, der König von Israel! Nackt hat er vor den Frauen seiner Knechte getanzt, wie es sonst nur einer aus dem Gesindel tut.“

20. چون داوود برگشت تا اهل خانه خود را برکت دهد، میکال دختر شائول به پیشبازش بیرون آمد و گفت: «براستی که پادشاه اسرائیل امروز چقدر خویشتن را بزرگ ساخت آنگاه که خود را همچون یکی از عوام، بی‌جامه در انظار کنیزان خادمان خویش به نمایش گذاشت!»

21. David erwiderte Michal: „Nein! Vor dem Herrn habe ich getanzt. Er hat mich zum königlichen Hirten bestimmt. Ich sollte über sein Volk Israel herrschen anstelle deines Vaters und seiner Nachkommen.

22. Vor dem Herrn will ich mich erbniedrigen, noch mehr, als ich es diesmal getan habe. In seinen Augen will ich niedrig erscheinen. Bei den Frauen aber, von denen du sprichst, bei denen werde ich hoch angesehen sein.“

23. Michal aber, die Tochter Sauls, blieb kinderlos bis zu ihrem Tod.

21. داوود به میکال گفت: «این در حضور خداوند بود، که مرا به جای پدرت و به جای تمامی خاندانش برگزید تا مرا بر قوم خود اسرائیل پیشوا سازد. آری، در حضور این خداوند پایکوبی خواهم کرد.»

22. و خود را از این نیز بیشتر خوار خواهم ساخت و در نظر خویش پست خواهم بود. اما در نظر کنیزانی که از آنان سخن گفتم، در نظر آنان محترم خواهم بود.»

23. و میکال دختر شاول تا روز وفاتش صاحب فرزندی نشد.

Sermon on 13 November 2002 "God's mystery in human beings"

Dear congregation!

1. "God is mystery" - this is how we have described the style of living Christian faith that we are getting to know this month. This style of faith is also called mystical. Christians who are close to God in this way say: we experience God and yet he remains a mystery to us. In the Bible we find the basis for this style of faith as well.

خطبه ۲۲/۱۱/۱۳ "راز خدا در انسان"

جماعت عزیز!

1. "خدا یک راز است" - سبک زندگی در ایمان مسیحی را که در این ماه با آن آشنا می شویم، اینگونه توصیف کردیم. به این سبک اعتقادی، عرفانی نیز می گویند. مسیحیانی که از این طریق به خدا نزدیک هستند، می گویند: ما خدا را تجربه می کنیم، اما او برای ما یک راز باقی می ماند. در کتاب مقدس، ما اساس این سبک اعتقاد را نیز می یابیم.

2. It is good for us as Christians when we broaden the view of our faith and discover new aspects of life in faith. Today we are talking about "God's mystery in human beings". In ourselves, in our actions, in our prayer, in our religious experiences, we can experience that God the Holy Spirit works in us and is alive. But we cannot hold on to him.

2. اگر دیدگاه خود را نسبت به ایمان خود گسترش دهیم و جنبه های جدیدی از زندگی در ایمان را کشف کنیم، برای ما مسیحیان خوب است. امروز درباره «راز خدا در انسان» است. در ما، در اعمالمان، در دعاهایمان، در تجربیات دینی مان می توانیم تجربه کنیم که خدا یروح القدس در ما کار می کند و زنده است. اما ما نمی توانیم او را نگه داریم.

3. Paul travels around Asia Minor, today Turkey, preaching Jesus and founding the first Christian churches. In one province the mission was not really going ahead. What should the apostle do? "During the night, Paul had an apparition. A man from Macedonia stood before him and asked: 'Come over to Macedonia and help us!' Immediately after Paul had the apparition, we looked for a way to get to Macedonia. For we were sure: God had called us to preach the Good News to the people there." (Acts 16:9,10)

3. پولس در آسیای صغیر، ترکیه امروزی، به موعظه عیسی و ایجاد اولین جوامع مسیحی سفر می کند. در یک استان، مأموریت واقعاً فراتر نمی رود. رسول باید چه کار کند؟ «در شب، پولس ظاهر شد. مردی از مقدونیه در برابر او ایستاد و پرسید: به مقدونیه بیا و به ما کمک کن! درست پس از ظهور پولس، ما شروع به جستجوی راهی برای رسیدن به مقدونیه کردیم. زیرا مطمئن بودیم: خدا ما را فرا خوانده بود تا به مردم آنجا بشارت بدهیم.» (اعمال رسولان 9:16+10).

4. Paul has a dream. A Macedonian as a messenger of the Holy Spirit makes it clear to Paul: he is now called to preach the Gospel in this province in Europe. This calling does not come from Paul himself, but from the Holy Spirit. But this calling meets Paul in a dream that takes place in his mind and yet comes from God. The Holy Spirit can also show us the way through such dreams or inner voices, in addition to situations where we reflect and then come to a decision.

4. پولس خواب می بیند. یک مقدونی به عنوان پیام آور روح القدس برای پولس روشن می کند: او اکنون برای موعظه انجیل در این استان در اروپا فراخوانده شده است. این دعوت از طرف خود پولس نیست، بلکه از روح القدس می آید. اما پولس در خوابی که در ذهن او نقش میبندد و در عین حال از جانب خدا می آید، با این تماس روبرو می شود. علاوه بر موقعیت هایی که در آن فکر می کنیم و سپس تصمیم می گیریم، روح القدس نیز می تواند راه را از طریق چنین رویاهای یا صداهای درونی به ما نشان دهد.

5. Many people who are searching for a new faith dream: Jesus appears to them and speaks to them or shows them: come here to me! And so they come to Jesus and become Christians. When it comes to the path of our Kreuzkirche congregation, it is not only rational considerations that play a role for me as to which path is best for us. I also experience that the Holy Spirit speaks to me through an idea that arises in me and shows me the way we should go.

5. بسیاری از افرادی که به دنبال ایمان جدیدی هستند در خواب می بینند: عیسی به آنها ظاهر می شود و با آنها صحبت می کند یا به آنها نشان می دهد: به نزد من بیایید! و بنابراین آنها نزد عیسی می آیند و مسیحی می شوند. وقتی صحبت از روش جامعه کلیسایی ما می شود، نه تنها ملاحظات عقلانی برای من نقش دارد، که کدام راه برای ما بهترین است. من همچنین تجربه می کنم که روح القدس از طریق ایده ای که در من بوجود می آید با من صحبت می کند و راهی را که باید برویم به من نشان می دهد.

6. When we are uncertain about which way to go in our job, in our family or in our faith life, we may ask the Holy Spirit to show us the right way. And we may be awake and open to the Holy Spirit speaking in us in a mysterious way and showing us where we can go. Thus, when it comes to our actions, we are mysteriously surrounded by the Holy Spirit and may count on him. This also applies to our prayer.

6. اگر مطمئن نیستیم که در شغل خود، در خانواده یا در زندگی ایمانی خود به کدام سمت برویم، می توانیم از روح القدس بخواهیم که راه درست را به ما نشان دهد و ما می توانیم بیدار باشیم و در برابر روح القدس که به روش های اسرار آمیز در ما صحبت می کند و به ما نشانی دهد که کجا می توانیم برویم، رها باشیم. وقتی نوبت به اعمالمان می رسد، به طور اسرار آمیزی توسط روح القدس احاطه شده ایم و می توانیم روی او حساب کنیم. این در مورد دعای ما نیز صدق می کند.

**7. Paul writes in his letter to the Romans: "In the same way, the Spirit of God helps us where we ourselves are incapable. We do not even know what to pray. Nor do we know how to bring our prayer before God in an appropriate way. But the Spirit himself intercedes for us with supplication and groaning. This is done in a way that cannot be put into words."
(Romans 8:26)**

**7. پولس در رومیان می نویسد:
«به همین ترتیب روح خدا به ما کمک می کند در جایی که خودمان قادر نیستیم. ما حتی نمی دانیم برای چه چیزی دعا کنیم. همچنین نمی دانیم که چگونه دعاها را به نحوی مناسب به پیشگاه خداوند برسانیم. اما خود روح، با تمنا و آه برای ما شفاعت می کند. این به گونه ای اتفاق می افتد که قابل بیان نیست.» (رومیان 8:26).**

8. Most of the time we pray in such a way that we ourselves choose the words with which we speak to God. Sometimes, when we are particularly desperate, the words in prayer come out of us uncontrollably, we may cry out to God, pray and weep. Sometimes we can't even speak properly, we just sigh and plead.

8. بیشتر اوقات، روش دعای ما انتخاب کلماتی است که برای صحبت با خدا به کار می‌بریم. گاهی که مستأصل می‌شویم، کلماتی که در دعا هست، بی‌اختیار از ما بیرون می‌آید، ممکن است به درگاه خدا فریاد بزنیم، دعا کنیم و گریه کنیم. گاهی حتی دیگر نمی‌توانیم درست صحبت کنیم، فقط آه می‌کشیم و به خود التماس می‌کنیم.

9. Sometimes we are so exhausted that we can no longer find our own words to pray. Then it is good to recite memorised prayers like the Lord's Prayer and thus enter into God's space. With Paul, we can trust the Holy Spirit to pray in us and to stand in for us when we cannot.

9. گاهی آنقدر از پا در می آییم که نمی توانیم خودمان کلمه ای برای دعا پیدا کنیم. خوب است دعاهایی را که از روی قلب آموخته‌اید، مانند دعای ربانی، بخوانید و بدین ترتیب وارد قلمرو خدا شوید. با پولس می توانیم اعتماد کنیم که روح القدس در درون ما دعا می کند و زمانی که ما نمی توانیم برای ما شفاعت می کند.

10. But it is not only when we sigh and plead that we are no longer really masters of ourselves in prayer. David danced before God, as we saw in the pantomime. He no longer considered: does this fit my office as king? He was so excited that God was in their midst with the tablets of the 10 Commandments that he forgot all about himself and sang and danced.

10. اما فقط وقتی آه می کشیم و التماس می کنیم که دیگر واقعاً استاد خودمان در دعا نیستیم، داوود همانطور که در پانتومیم دیدیم در برابر خدا رقصید. او دیگر فکر نکرد: آیا این با مقام پادشاهی من مطابقت دارد؟ او به قدری هیجان زده بود که خدا با الواح ۱۰ فرمان در میان آنها بود که خود را فراموش کرد و آواز خواند و رقصید.

11. In my former church, a young father of four children was seriously ill. Together with many others, my wife Anette and I prayed for God's healing power for him: that he would get well again and remain with his family. Anette told me that all of a sudden her prayer changed. Now she prayed that the family would endure and get through when the husband and father died.

11. در کلیسای سابق من، پدر جوان چهار فرزند، به شدت بیمار بود. من و همسر من آنته به همراه بسیاری دیگر از خداوند برای او دعای شفا بخش کردیم: اینکه او دوباره خوب شود و در کنار خانواده اش باشد. آنته توضیح می‌دهد که ناگهان دعایش تغییر کرد. حالا دعای او کرد که خانواده اش طاقت بیاورند و وقتی شوهر و پدر می‌میرند، صبر داشته باشند.

12. When her prayer changed, she had no new information about the man's condition. But a short time later he died and God answered Anette's prayer: with the help of many people and of God, the family managed to accept the death of the father of the family, to get through it well and later to find a good way again.

12. وقتی دعایش عوض شد، هیچ اطلاع جدیدی از وضعیت مرد نداشت. اما اندکی بعد از دنیا رفت و خداوند دعای آنته را برآورده کرد: با کمک بسیاری از مردم و خداوند، خانواده موفق شدند مرگ پدر خانواده را بپذیرند و به خوبی از آن عبور کنند و بعدها دوباره راه خوب پیدا کنند. روح القدس دعای آنته را اصلاح کرده بود!

13. The Holy Spirit had corrected Anette's prayer! The Holy Spirit works in mysterious ways, showing us the way and helping us to pray. Sometimes he also gives us extraordinary experiences, some people look for a moment into heaven, into eternal life. This is what happened to Paul once. In 2 Corinthians he reports how he himself was caught up into heaven.

13. روح القدس به روشهای اسرارآمیز عمل می کند، راه را به ما نشان می دهد و به ما کمک می کند دعا کنیم. گاهی اوقات او تجربیات بسیار خارق العاده ای نیز به ما می دهد، برخی از مردم برای لحظه ای به بهشت نگاه می کنند، به زندگی ابدی. این چیزی است که یکبار برای پولس اتفاق افتاد. در دوم قرنتیان او گزارش می دهد که چگونه خود به بهشت گیر افتاده است.

14. "I know of a man who belongs to Christ. Fourteen years ago he was lifted up to the third heaven. I do not know whether he was in his body when he was lifted up. Neither do I know if he was outside his body. God alone knows! ... But I do know that he was lifted up into paradise. There he heard unspeakable words which no man may utter." (2 Cor 12:2,4)

14. «من مردی را می شناسم که متعلق به مسیح است. او چهارده سال پیش به آسمان سوم بالا رفت. نمی دانم در آن زمان در بدنش بود یا نه. همچنین نمی دانم که آیا او خارج از بدنش بود یا نه. خدا تنها می داند! ... اما من می دانم که او به بهشت برده شد. در آنجا سخنان ناگفتنی شنید که هیچ کس مجاز به بیان آنها نیست.» (دوم قرن تیسریان 2:12+4).

15. Such experiences of a rapture into paradise are probably only made by a minority of Christians, but certainly not only by Paul. Such experiences, where a person steps out of the normal life, are for me a sign that humans are not a "imprisoned" in this world, but called to eternal fellowship with God. "What no eye has seen and no ear has heard, what no man has ever thought of - all this God has in store for those who love him." (1 Cor 2:9)

15. فقط تعداد کمی از مسیحیان چنین تجربی از ربوده شدن به بهشت دارند، اما مطمئناً نه تنها پولس برای من چنین تجربیاتی کهانسان در اینجا از زندگی عادی خارج می‌شود، نشانه این است که انسان موجودی در این دنیا نیست، بلکه به مشارکت ابدی با خدا فراخوانده شده است. «آنچه را که هیچ چشمی ندیده و گوش‌نشنیده است، چیزی که هیچ کس به آن فکر نکرده است، خدا آن را برای دوستدارانش آماده کرده است.» (اول قرنتیان 2:9).

16. 16 years ago, my father fell into a coma after a brain stroke in a serious illness, was unresponsive and died after a few days. My mother suffered greatly from not being able to say goodbye to my father, her husband. A quarter of a year after his death, she had an apparition in a dream. My father suddenly stood before her and said: "I didn't get to say goodbye to you at all. I am sorry for that. It was nice with you, and I loved you. Now I am in another world. Farewell!"

16. شانزده سال پیش پدرم پس از سکته مغزی در اثر یک بیماری شدید به کما رفت و دیگر قادر به سخن نبود و چند روز بعد درگذشت. مادرم از اینکه نتوانست با پدرم، شوهرش خدا حافظی کند، رنج زیادی کشید. سه ماه پس از مرگ او، مادرم در خواب دید: پدر مناگهان رو بروی او ایستاد و گفت: نتوانستم با تو خدا حافظی کنم. من برای آن متاسفم. با تو خوب بودم و دوستت داشتم. حالا من در دنیا دیگری هستم. بدرود!

17. Many Christians have special experiences through the mysterious work of the Spirit, which they often do not forget for the rest of their lives. Inspirations, strengthening in prayer, visions and dreams. Experiences that bring them to faith or strengthen them in faith. Experiences that cannot be easily explained, experiences with a mystery. The mystery is called God. He is the mystery of our lives. Amen!

17. بسیاری از مسیحیان از طریق اعمال اسرارآمیز روح، تجارب ویژه ای دارند که اغلب در طول زندگی خود آن را فراموش نمیکنند. الهامات، تقویت در دعا، چشم انداز و رویاها. تجربیاتی که باعث می شود، باورششان شود یا باورششان را تقویت کند. تجربیاتی که نمیتوان به راحتی توضیح داد، تجربه هایی با راز. رازی که نامش خداست. او راز زندگی ما است. آمین